

مجله ویدئو در عصر حاضر  
پنجمین اجلاس اساتید و محققان  
حضرت مهدی

# Mahdaviat in present time

the 5<sup>th</sup>  
Meeting of reviewing existence  
dimension of hazrat

Mahdi

(May 2000) (after his reappearance)

کارکرد تربیتی اعتقاد به مهدویت  
در عصر حاضر

علیرضا انصاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کارکرد تربیتی اعتقاد به مهدویت

در عصر حاضر

علیرضا انصاری

به سفارش

دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجالتاً السلامه

انصاری، علیرضا، ۱۳۴۴ -

کسارکرد تربیتی اعتقاد به مهدویت در عصر حاضر /  
علیرضا انصاری؛ به سفارش دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی -  
قم؛ سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی،  
۱۳۸۵.  
۴۲ ص.

ISBN: 964-96941-1-0 ریال ۵۵۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - ۳.  
حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- اصحاب الف. اجلاس  
دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج). دبیرخانه دائمی.  
ب. عنوان.

۲۹۷ / ۴۶۲

ک ۷۹۳ الف / ۴ / ۲۲۴ BP

۱۱۱۷۳ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران

## کارکرد تربیتی

## اعتقاد به مهدویت در عصر حاضر

مؤلف: علیرضا انصاری

تدوین / ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۵

چاپخانه: گلها

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۵۵۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۶۹۴۱-۱-۰

کلیه حقوق محفوظ می باشد.

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

کارشناسان ارزیابی: هیأت علمی دبیرخانه اجلاس:

مدیر تدوین: سید جمال الدین شمس؛ یازینی نهائی: جواد محفوظی نژاد؛

مدیر هماهنگی و نظارت: مجید افشار؛ مدیر تولید و نشر: سید محمد باقی زاده؛

صفحه آرائی: سید محمد مسجدی؛ طرح جلد: هادی معزی.

## فهرست مطالب

سخنر نخست	۷
۱- خداجویی	۹
۲- بصیرت	۱۳
۳- ولایت‌مداری	۱۷
۴- شجاعت	۲۳
۵- پاسداری از دین	۲۷
۶- ایثار	۳۱
۷- شهادت طلبی	۳۵
۸- آزادگی و ستم‌ستیزی	۳۹

## سنگین است

یکی از موضوعات بایسته پژوهش، بررسی نقاط اشتراک و افتراق قیام امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه است. این دو قیام در برخی عناصر و مؤلفه‌ها، مشترک و در برخی شاخصه‌ها متفاوت هستند. یکی از نقاط اشتراک این دو قیام آن است که رهبران آنها امامان معصوم هستند و از نقاط افتراق دو قیام آن است که قیام امام حسین علیه السلام به حسب ظاهر شکست خورده، ولی قیام امام زمان عجل الله فرجه سرانجام به پیروزی می‌رسد.

از موارد دیگر اشتراک و افتراق این دو قیام یکی هدف است که حاکمیت دین خداست و دیگری زمان وقوع آنهاست؛ بدین معنا که قیام امام حسین علیه السلام شکل گرفته، ولی قیام امام زمان عجل الله فرجه هنوز آغاز نگشته است. این دو قیام در عناصر دیگر نیز دارای اشتراک و افتراق‌اند که باید در جای خود به آنها پرداخته شود.

این نوشتار می‌کوشد به یکی دیگر از نقاط اشتراک قیام

امام حسین علیه السلام و امام زمان بپردازد و آن، ویژگیهای مشترک یاران این دو امام است. بیان ویژگیهای یاران دو امام به ویژه امام زمان عجل الله فرجه از دو جهت اهمیت دارد.

اول آنکه دانستن این خصوصیات می تواند مقیاسی برای محک زدن قابلیت خودمان در همراهی با حضرت و جهاد در رکاب هر دو امام باشد؛ بدین معنا که آیا اگر ما در عصر امام حسین علیه السلام بودیم مانند یاران آن حضرت با او تا آخرین نفس و آخرین قطره خون از دین و امام خود دفاع می کردیم؟ که در این صورت می توانیم دریابیم که در آن روز موعود نیز در کنار حضرت خواهیم بود.

دوم اینکه دانستن ویژگیهای یاران امام زمان عجل الله فرجه و تلاش در راه کسب آنها، در واقع تلاشی برای زمینه سازی ظهور و فرارسیدن آن روز مبارک است. بر این اساس باید در صدد کسب این ویژگی ها برآییم تا از زمینه سازان ظهور و یاران حضرت باشیم.

## ۱- استجابترین

خداجویی و معنویت‌گرایی یکی از ویژگیهای مشترک یاران امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه است. از والاترین و زلالترین حالات جان آدمی، عشق به کمال مطلق و معبود حقیقی است که پیشوایان الهی از آن در بالاترین درجه برخوردار بوده‌اند. صاحبان چنین عشق‌هایی برای خود تعینی نمی‌بینند و پیوسته در انتظار لحظه‌رهایی از قفس تن و زندان خاک و پیوستن به پروردگار هستند. آنان جز رضایت خدا و تسلیم در برابر خواست او چیزی نمی‌خواهند.<sup>۱</sup>

سراسر عاشورا و صحنه‌های کربلا را شعار رضی الله رضانا اهل البیت<sup>۲</sup> فرا گرفته بود و امام و یاران او

---

۱. جواد محدثی، پیام عاشورا، ص ۱۲۱.

۲. سید بن طاووس، لهوف، ص ۶۰.



از همه چیز بریده و به حق پیوسته بودند. امام حسین علیه السلام به هنگام خروج از مدینه، با خواندن خطبه انگیزه هرگونه قدرت طلبی و دنیا خواهی را رد کرد و بارها از تسلیم شدن در برابر قضای الهی سخن گفت:

پروردگارا، من راضی به رضای تو و تسلیم امر تو هستم! در مقابل قضای تو صبر خواهم نمود! ای خدایی که جز تو معبودی نیست! ای پناه بی پناهان.<sup>۱</sup>

خدا محوری نه تنها در گفتار و رفتار امام مبتلور بود، بلکه یاران و اهل بیت او نیز معنویت‌گراترین انسانها بودند، حضرت زینب علیها السلام پس از حضور در کنار جسد قطعه قطعه سیدالشهدا عرضه داشت:

اللهم تقبل منا هذا القربان<sup>۲</sup>، خدایا، این قربانی را از ما بپذیر!

همچنین حضرت زینب علیها السلام در هنگام گفتگو با ابن زیاد فرمود:

ما رأیت إلا جمیلاً.<sup>۳</sup>

---

۱. برای تحقیق بیشتر بنگرید به: محمد صادق نجمی، سخنان حسین بن

علی علیه السلام، ص ۳۳۲.

۲. حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۰۱.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

در زیارتنامه هانی می خوانیم:

بدلت نفسک فی ذات الله ومرضاته<sup>۱</sup> ای کسی که جان خویش را در راه رضای خدا فدا کردی.

خدا محوری و معنویت یاران امام، در شب عاشورا جلوه خاصی به خود گرفت، به طوری که صدای عبادت و نیایش و نماز شب آنان در خیمه‌ها پیچیده بود. به گفته مورخان:

لهم دوی کدوی النحل وهم ما بین راکع وساجد  
وقاری للقرآن.<sup>۲</sup>

خداجویی و توحید، سرلوحه عقاید و خصال یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز هست. آنان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق در جلوه نور ایزدی است. همه چیز را با جلوه او دیده و جز یاد او سخن دیگران در نظرشان بی لطف و جاذبه است. غیب را چنان شهود دیده و از صفای روحانی عالم معنا نوش کرده‌اند. ایمان خالصانه‌ای در سینه دارند که شک و تردید با آن بیگانه است.<sup>۳</sup>

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت مسلم، ص ۴۰۳.

۲. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ۱۷۷.

۳. مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۳۰۱.

شوق دیدار محبوب، دلهاشان را به وجد آورده و در اشتیاق وصل او، شب و روز نمی‌شناسند. این باور آنقدر با صلابت و استوار است که مرارت‌ها و مصیبت‌ها، در آن خللی ایجاد نمی‌کند، زیرا آنان از سرچشمه توحید ناب سیراب و به وحدانیت خداوند آنچنان که حق وحدانیت اوست اعتقاد دارند.<sup>۱</sup> حرم دلهایشان را بتهای نفس، قدرت و ثروت نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد. امام صادق علیه السلام درباره یاران مهدی عجل الله فرجه فرمود:

مردانی که گویا دلهایشان نورباران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند.<sup>۲</sup>

علی علیه السلام یاران مهدی عجل الله فرجه را گنج‌هایی که آکنده از معرفت خدایی‌اند، می‌داند.<sup>۳</sup>

یاران مهدی مردان عبادت و نیایش، شیران روز و نیایش‌گران شب هستند. روح بندگی و راز و نیاز با جانشان درهم آمیخته، همواره خود را در محضر خدا می‌بینند و لحظه‌ای از یاد خدا غفلت نمی‌ورزند.<sup>۴</sup>

۱. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. ینابیع المودة، ص ۴۴۹.

۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰.

## ۲- بصیرت

بصیرت و رشد فکری یکی دیگر از ویژگیهای مشترک یاران این دو امام است. یاران امام حسین علیه السلام با شناختی عمیق از حجت خدا و تمیز میان حق و باطل به امام پیوستند. جهاد و قیام آنان، مکتبی و عقیدتی و به دور از هرگونه تعصبات قومی و تحریکات دشمنان و فریبکاری جناح باطل صورت گرفت. هلال بن نافع شب عاشورا پس از سخنان امام حسین علیه السلام برخاست و گفت:

وانا علی نیاتنا وبصائرنا،<sup>۱</sup> همانا بر انگیزه‌ها و بینش‌های خویش پایداریم.

عابس بن شیبب نیز وقتی که خدمت امام حسین علیه السلام

---

۱. لهوف، ص ۷۹.

رسید، گفت:

سلام بر تو ای اباعبدالله، خدا را گواه می‌گیرم که من بر  
آیین تو و پدرت هستم!

یاران امام حسین علیه السلام نه تنها از امام خود دست  
برنداشتند و به دشمن نپیوستند، بلکه یکی از افتخارات  
خود را دشمن‌شناسی بیان کردند. بریر به هنگام گفتگو با  
سپاه دشمن می‌گوید:

الحمد لله الذی زادنی فیکم بصیرة<sup>۱</sup> سپاس خدای را که  
بصیرت و شناخت مرا درباره شما فزون ساخت.

یاران امام زمان علیه السلام نیز در بصیرت و خردمندی  
سرآمد هستند. در فتنه‌هایی که زیرکان در آن فرومی‌مانند،  
هوشیارانه راه می‌جویند و حق را از باطل می‌شناسند.  
بصیرت و آگاهی عمیق آنان از اهداف، موجب می‌شود که  
در راه اطاعت از امام خویش و در احیای سنت‌ها و مبارزه  
با بدعت‌ها درنگ نکنند و در پی رسالت شرک‌زادی، به  
همراه امام خود بت‌شکنی کنند و پیرایه‌هایی که به اسم

۱. وقعة الطف، ص ۲۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵.

دین در ذهن‌ها جای گرفته و با گذشت زمان تقدس یافته را نابود سازند.<sup>۱</sup> یاران مهدی عجل الله فرجه امام خود را می‌شناسند و به او اعتقاد دارند، اعتقادی که در ژرف وجودشان ریشه دوانده و سراسر جانشان را فراگرفته است. این معرفت، شناخت اجمالی نیست، بلکه معرفت به حق امام است. حق امامی که حضرت امام صادق علیه السلام درباره او فرمود:

اگر او را درک می‌کردم تمام عمر به خدمت او می‌پرداختم.<sup>۲</sup>

این درحالی است که برخی انسانها به سبب طولانی شدن غیبت امام زمان عجل الله فرجه سردرگم شده و گمراه می‌شوند. حضرت علی علیه السلام فرمودند:

تكون له حيرة وغيبة يضل فيها اقوام ويهتدي فيها آخرون؛<sup>۳</sup> به سبب غیبت مهدی سردرگمی به وجود می‌آید. گروهی از مردم گمراه می‌شوند و گروهی بر هدایت می‌مانند.

یکی از برنامه‌های امام زمان عجل الله فرجه رشد خرد جمعی

۱. مجله حوزه، ویژه‌نامه امام زمان، ص ۳۰۱.

۲. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۲۸۴.

۳. ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۱۰۴.

است، زیرا برای تشکیل حکومت جهانی ارتقاء سطح خرد جمعی از بایسته‌هاست. امام صادق علیه السلام فرمود:

چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد  
و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به  
کمال می‌رساند.<sup>۱</sup>

یکی از مصادیق مهم رشد خرد جمعی، بصیرت است  
که نخست باید یاران حضرت از آن بهره‌مند باشند تا امام  
خود را در حاکمیت عقلانیت یاری نمایند.

---

۱. لطف الله صافی (آیت الله)، منتخب الاثر، ص ۴۸۷.

## ۳- ولایت‌مداری

در یک سوی حادثه عاشورا مظاهر برجسته‌ای از اطاعت و وفای به عهد می‌بینیم و در سوی دیگر آن، نمونه‌هایی از عهد شکنی و بی‌وفایی و نقض پیمان. در کربلا، کوفیان پیمان شکن، فرزند پیامبر را به شهادت رساندند،<sup>۱</sup> در حالی که یاران باوفای امام، ولایت‌مداری خویش را به نمایش گذاشتند. با آنکه امام بیعت خویش را از یاران خود برداشت، ولی آنان وفادارانه، در صحنه ماندند و عهد خویش نشکستند. شهدای کربلا جانبازی در رکاب آن حضرت را وفای به عهد دانسته و امضای خون بر پیمان خویش می‌زدند.<sup>۲</sup> عمرو بن قرظہ خود را در برابر شمشیرها و تیرهای دشمن قرار داد تا به امام آسیبی نرسد و آن قدر

---

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵.

۲. جواد محدثی، پیام عاشورا، ص ۹۳.



جراحت برداشت که بی‌تاب شد. آنگاه رو به امام کرد و پرسید:

ای پسر پیامبر، آیا وفا کردم؟ امام فرمود: آری، تو در بهشت پیش روی منی و زودتر وارد بهشت می‌شوی، سلام مرا به پیامبر صلی الله علیه و آله برسان.<sup>۱</sup>

وقتی حبیب بن مظاهر کنار بالین مسلم بن عوسجه آمد و به او بشارت بهشت داد، وی در حال جان دادن به حبیب توصیه نمود که دست از امام برنداشته و در راه او کشته شود.<sup>۲</sup> به خاطر همین اطاعت و وفای به عهد یاران امام است که در زیارتنامه حضرت مسلم بن عقیل می‌خوانیم:

واشهد انک وفیت بعهدالله.<sup>۳</sup>

اشاره است به عهد با خدا و جان باختن در یاری حجت خدا. در زیارت حضرت عباس بن علی علیه السلام نیز آمده است:

اشهد لك بالتسليم والتصديق والوفاء والنصيحة لخلف النبي؛<sup>۴</sup> که شاهد اطاعت و تسلیم و تصدیق حضرت

۱. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۵.

۲. مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۵؛ لهوف، ص ۴۶.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت مسلم بن عقیل، ص ۴۰۲.

۴. همان، زیارت حضرت عباس، ص ۴۳۴.

کارکرد تربیتی اعتقاد به مهدویت در عصر حاضر □ ۱۹

ابوالفضل علیه السلام نسبت به فرزند پیامبر است.

وفاداری حضرت ابوالفضل علیه السلام به حدی است که  
آن حضرت در شب عاشورا خطاب به  
امام حسین علیه السلام می گوید:

به خدا سوگند هرگز از تو جدا نمی شویم! جانمان فدای  
جانت! با حنجره‌ها و حلقوم‌ها و دست‌ها و چهره‌های  
خون‌آلود از تو حمایت می‌کنیم و هرگاه کشته شویم، به عهد  
خویش و آنچه بر عهده‌ماست وفا کرده‌ایم. فاذا نحن قتلنا  
بین یدیک نکون قد وفینا لربنا وقضینا ما علینا.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا وقتی بر بالین  
مسلم بن عوسجه آمد این آیه را خواند که بیانگر وفای به  
عهد یاران امام است:

مردانی که بر عهد خویش با خدا صادق‌اند؛ برخی به عهد  
خویش وفا کرده و جان باختند و برخی منتظرند و عهد و پیمان  
را هیچ دگرگون نساخته‌اند.<sup>۲</sup>

یاران امام زمان عجل الله فرجه نیز عاشقان مولای خود هستند

۱. وقعة الطف، ص ۱۹۹؛ لهوف، ص ۹۱.

۲. احزاب/۳۳: ۲۳.

و پاکبازان راه او. از وی همچون فرزندان خلف فرمان برده بهتر از بردگان گوش به فرمان، از حضرت پیروی می‌کنند و در انجام دستورهایش بر یکدیگر پیشی می‌گیرند.<sup>۱</sup> به فرموده پیامبر ﷺ آنان تلاشگر و کوشا در پیروی از اویند.<sup>۲</sup> عشق و علاقه قلبی به مهدی، آنان را به فرمانبری وا می‌دارد و بسان پروانه، به دور شمع وجودش می‌گردند. در روایتی آمده است:

سوارانی با نشان و پرچم؛ برای تبرک دست بر زین مرکب امام می‌سایند و برگرد امام می‌چرخند. با جان و دل او را در جنگ‌ها یاری کرده و آنچه طلب کند، کفایت می‌کنند.<sup>۳</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص یاران مهدی عجل الله فرجه فرمود:

... روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه به اهتزاز درآمده و دست‌ها برای بیعت تو، پی در پی صف کشیده‌اند. دوستان با صفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های دُر گرانبها، شمع وجودت را

۱. نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۳۱۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۳۵.

کارکرد تربیتی اعتقاد به مهدویت در عصر حاضر □ ۲۱

احاطه کرده‌اند و دست‌هایشان برای بیعت با تو در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد. آنان به فرمانهای دینی فروتنند، دل‌هایشان از کینه و دشمنی پیراسته و رخسارشان برای پذیرش حق آماده است...<sup>۱</sup>

عشق یاران امام زمان عجل‌الله فرجه به حضرت به حدی است که حتی زین اسب او را مایهٔ برکت دانسته و به آن تبرک می‌جویند. امام صادق علیه السلام فرمود:

يمسحون بسرج الامام يطلبون بذلك البركة.<sup>۲</sup>

نتیجهٔ چنین عشقی؛ اطاعت بی‌چون و چرای آنان از امامشان است.

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ۳۰۸.

۲. جواد محدثی، پیشین، ص ۶۳.

## ۲- شجاعت

شجاعت دیگر ویژگی مشترک یاران امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه است. یاران امام حسین علیه السلام به عشق شهادت می جنگیدند، از مرگ هراسی نداشتند و در برابر دشمن سست نمی شدند. رشادتی که حضرت مسلم بن عقیل در کوفه از خود نشان داد، یا شجاعت و شهامتی که ابوالفضل العباس علیه السلام و حضرت قاسم و دیگران از خود به نمایش گذاشتند، بیانگر آن است که آنان از شجاعترین انسانها بودند.<sup>۱</sup> شجاعت آنان به گونه‌ای بود که حتی یکی از سران سپاه دشمن بر سربازان خود فریاد زد:

ای بی خردان، می دانید با چه کسانی می جنگید؟ با شیران

---

۱. خلیل کمره‌ای، عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۲۰.

شرزه، با گروهی که مرگ آفرین اند! هیچ کدامتان به میدان  
آنان نروید که کشته می شوید.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از دشمنان، شجاعت یاران امام را اینگونه  
توصیف می کند:

کسانی بر ما تاختند که پنجه هاشان بر قبضه شمشیرها بود،  
آنان همچون شیران خشمگین بر سواران ما تاختند و آنها را در  
چپ و راست تار و مار کردند و خود را در کام مرگ افکندند.<sup>۲</sup>

یاران امام حسین علیه السلام بعد از شهادت او نیز جلوه‌هایی از  
شجاعت را به نمایش گذاشتند. اهل بیت امام به رغم آنکه  
اسیر بودند، زانوی غم در بغل نگرفته و در برابر دشمن  
تسلیم نشدند. آنان به گونه‌ای رفتار کردند که دشمنان را  
خشمگین نمودند. در هنگام گفتگوی حضرت زینب علیها السلام با  
ابن زیاد، ابن زیاد از او با عنوان زن متکبر یاد کرد.<sup>۳</sup> رفتار  
اهل بیت امام حسین علیه السلام ریشه در شجاعت امامشان داشت؛  
زیرا آنان یاران امامی بودند که مرگ در راه خدا را عزت

---

۱. وقعة الطف، ص ۲۲۴.

۲. عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت،  
ص ۳۲۱.

۳. پیام عاشورا، ص ۶۳ (مرا از مرگ می ترسانی!).

می‌دانست<sup>۱</sup> و شعار اباالموت تخوفانی<sup>۲</sup> سر می‌داد.  
یکی از راویان واقعه کربلا می‌گوید:

به خدا قسم، هیچ کس را ندیدم که فرزندان و خاندان و  
یارانش کشته شده و در انبوه مردم محاصره شده باشد و مانند  
حسین بن علی همچنان قوی دل و استوار و شجاع باشد.  
دشمنان او را محاصره کرده بودند، ولی او با شمشیر به آنان  
حمله می‌کرد و همه از چپ و راست فرار می‌کردند. شمر چون  
چنین دید، به سواره‌های خود فرمان داد به پشتیبانی نیروهای  
پیاده بشتابند و امام را از هر طرف تیر باران کنند.<sup>۳</sup>

یاران مهدی عجل الله فرجه نیز مردمانی دلیر و جنگاورند؛  
دل‌هایی چون پولاد دارند، از انبوه دشمن هراسی به دل راه  
نمی‌دهند و عشق به خدا و امامشان به آنان قوت بخشیده  
است. شجاعتی بی‌مانند، آنان را به رزمگاه می‌کشاند.  
عزت نفس و بلندی منزلت، آنان را از کوه بلند پایه‌تر کرده و  
هیبتشان را در سینه ستمکاران دو چندان نموده است.  
قوت چهل مرد دارند. شیران میدان رزمند و جانهایشان از  
سنگ خارا محکمتر است.<sup>۴</sup> امام باقر علیه السلام در خصوص

۱. پیام عاشورا، ص ۶۳.

۲. ارشاد مفید، چاپ کنگره شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳. مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۳۰۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

### شجاعت یاران مهدی عجل الله فرجه فرمود:

لكانى انظر إليهم مصعدين من نجف الكوفة ثلاث مائة  
وبضعة عشر رجلا كان قلوبهم زبر الحديد... يسير الرعب  
امامه شهرا وخلفه شهرا، اگویا آنان را می نگریم؛ سیصد و ده و  
اندی مرد که بر بلندای نجف (کوفه) ایستاده‌اند و دل‌هایی  
چون پولاد دارند. از هر سو تا مسافت یک ماه راه، ترس بر  
دل‌های دشمنانشان سایه افکنده است. در سوارکاری و تیر  
اندازی بی نظیرند. در رزمگاه نشان شجاعت بر تن داشته و  
چون یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در نبرد بدر، نشان ویژه  
بر سر نهاده‌اند.<sup>۲</sup>

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۴۰.



## پاسداری از دین

دیگر ویژگی مشترک یاران امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه پاسداری از دین است. یاران امام حسین علیه السلام در اطاعت از فرمان خدا و انجام دستورات امامشان، متعبدترین مردم بودند. آنان با بذل خون خویش به پاسداری از دین و آموزه‌های آن پرداختند. زیرا در آن دوره دین خدا در آستانه نابودی قرار داشت. حضرت ابوالفضل علیه السلام در رجزی که پس از قطع شدن دست راست خویش می‌خواند بر مسأله حمایت از دین تأکید کرد:

والله اهن قطعتموا یمینی انی أحامی ابداء عن دینی،<sup>۱</sup> یا آنکه دست راست مرا قطع کردید، ولی به خدا قسم هرگز از حمایت و پاسداری از دین خود دست برنخواهم داشت.

از این رو در برخی زیارات، از یاران امام حسین علیه السلام به

---

۱. زیارت امام حسین علیه السلام و شهداء، مفاتیح الجنان، ص ۴۴۸.

عنوان انصار دین خدا یاد شده است:

السلام علیکم ایها الدابون عن توحیدالله.<sup>۱</sup>  
السلام علیکم یا انصار دین الله وانصار نبیه.<sup>۲</sup>

یکی از مؤلفه‌های جامعه آرمانی امام زمان، حاکمیت دین است. در بسیاری از روایات اسلامی، از تجدد دین توسط امام زمان عجل الله فرجه سخن گفته شده است.<sup>۳</sup> یکی از معانی تجدید دین آنست که مفاهیم دینی به گونه‌ای تعریف و اجرا می‌شود که با مفاهیم دینی پیش از ظهور همسویی ندارد. از این رو، برخی تصور می‌کنند که حضرت دین جدیدی آورده است.<sup>۴</sup> اساساً یکی از حرکت‌های مهم امام زمان عجل الله فرجه، احیای دوباره تعالیم اسلام راستین است. امام علی علیه السلام فرمود:

ویحیی مِیَّتَ الْکِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛<sup>۵</sup> او کتاب و سنت مرده و از میان رفته را زنده می‌کند.

برخی مردمان احیای دوباره اسلام را بر نمی‌تابند و به مخالفت با آن می‌پردازند. امام نیز با آنان می‌جنگد و در

۱. همان، ص ۴۴۰.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بنگرید به: نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱.

۳. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۱۳.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۵. الملاحم والفتن، ص ۱۴۹.

این راستا، یاران حضرت پشیمان حضرت در تثبیت حاکمیت دین خدا هستند. امام علی علیه السلام در تعریف یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه می فرماید:

یاران او با امامشان بیعت کرده که دست و دامنشان را پاک نگاه دارند. زبان به دشنام نگشایند. خون کسی را به ناحق نریزند. به سکونت گاه مردم هجوم نبرند. کسی را به ناحق نیازارند. بر مرکب های ممتاز سوار نشوند. لباس های فاخر نپوشند... در امانت خیانت نکنند. به یتیم ستم روا ندارند. راه را ناامن نکنند. پناهنده و مجروح را نکشند. فراریان را دنبال نکنند و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند.<sup>۱</sup>

البته آنان باید چنین باشند، زیرا ایجاد حکومت اسلامی در گرو حفظ حدود خداست و ایجاد جامعه آرمانی، جز با تربیت صحیح اسلامی ممکن نیست. اگر کارگزاران و یاران اصلی یک حکومت، دین مدار باشند، مردم نیز حرمت دین را نگه می دارند. یاران امام حسین علیه السلام با شهادت خود و انجام دستورات الهی حرمت دین را حفظ کرده، از آن پاسداری نمودند و یاران امام زمان عجل الله فرجه نیز با رعایت موازین و حدود الهی از دین پاسداری می نمایند. از این رو هر دو گروه از پاسداران دین بوده در این مهم مشترک هستند.

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۶۵.

## حمایار

یکی از بارزترین ویژگیهای یاران امام حسین علیه السلام ایثار است. یعنی فداکاری، دیگران را بر خود مقدم داشتن و جان و مال خود را فدای چیزی برتر از خویش کردن. در کربلا ایثار و فداکاری به اوج خود می‌رسد. امام جان خویش را فدای دین می‌کند. اصحاب امام تا زنده هستند، به احترام خاندان نبوت نمی‌گذارند کسی از بنی هاشم به میدان برود، شب عاشورا پس از آن که امام بیعت را از آنان برمی‌دارد و آزادشان می‌گذارد تا جان خویش را نجات دهند، یکایک برخاسته اعلام فداکاری می‌کنند و می‌گویند:

زندگی پس از تو را نمی‌خواهیم و خود را فدای  
تو می‌کنیم.<sup>۱</sup>

هنگام نماز ظهر، برخی اصحاب، خویش را سپر

---

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱.

تیرهای دشمن می‌کنند تا امام نماز بخواند.<sup>۱</sup> عباس علیه السلام با لب تشنه وارد فرات می‌شود و به یاد لبهای تشنه حسین علیه السلام و اطفال در خيام، آب نمی‌نوشد.<sup>۲</sup> زینب علیها السلام برای نجات جان امام سجاد علیه السلام خویش را به خیمه آتش گرفته می‌زند. در مجلس یزید نیز وقتی به کشتن امام سجاد علیه السلام فرمان می‌دهند، زینب علیها السلام جان خویش را سپر بلا قرار می‌دهد و...

این صحنه‌ها و دهها صحنه دیگر که یکی از دیگری زیباتر است، الفبای ایثار را به آزادگان می‌آموزد. به واسطه همین فرهنگ ایثار است که نوجوانی چون حضرت قاسم، خطاب به امام خود می‌گوید:

روحي لروحك الفداء ونفسي لنفسك الوقا؛<sup>۳</sup> جانم فدای جانت!

در زیارت عاشورا نیز به صفت فداکاری یاران امام اشاره شده است، آنجا که می‌خوانیم:

الذین بذلوا مهجم دون الحسين علیه السلام؛ آنان که از جان و خون خویش در راه حسین علیه السلام گذشتند.

۱. همان، ص ۲۰.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۴۶۷.

۳. اختصاص مفید، ص ۲۴، نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان،

از ویژگیهای بارز یاران و همراهان حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز ایثار است. آنان بخاطر یکدیگر خود را به رنج می‌افکنند و در بهره‌گیری از زیبایی‌های زندگی، دیگران را بر خود پیش می‌دارند. البته آنان باید چنین باشند، زیرا آن کس که خود ساخته نیست نمی‌تواند سازندگی کند. امام باقر علیه السلام فرمودند:

در زمان قیام قائم، دوران رفاقت (یگانگی) فرامی‌رسد. مردم به سراغ مال برادران خود رفته حاجت خویش برمی‌گیرند و هیچ کس آنان را منع نمی‌کند.<sup>۱</sup>

در روایات، از یاران امام زمان عجل الله فرجه علاوه بر مزامله، به رفقا نیز تعبیر شده است؛<sup>۲</sup> به معنای دوستان همدل و همراز، با لطف و صفا، دوستان بزم و رزم و... دوستی آنان چنان محکم است که گویا برادران واقعی‌اند و همه از یک پدر و مادرند.

کأنما رباهم أب واحد وأم واحدة قلوبهم مجتمعة بالمحبة والنصيحة؛<sup>۳</sup> گویا یک پدر و مادر آنان را پرورانده‌اند، زیرا دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است.

۱. ینابیع المودة، ص ۴۳۳.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۶۷.

۳. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰.

## ۷- شهادت طلبی

در شرایطی که انسانها اغلب برای زنده ماندن بیشتر تلاش می‌کنند؛ کسانی هم هستند که برای رسیدن به درک متعالی‌تری از فلسفهٔ حیات، حاضرند جان خود را فدا کنند. از این‌رو، از شهادت در راه مکتب و دین خود استقبال می‌نمایند. به این روحیه که همراه با رهایی از تعلقات دنیوی است، شهادت طلبی گفته می‌شود.

عاشورا، جلوهٔ شهادت طلبی یاران امام حسین علیه السلام بود. خود آن حضرت نیز پیشتاز و الگوی این میدان بود. امام به هنگام خروج از مکه با خواندن خطبه‌ای از زیبایی مرگ در راه خدا سخن گفت،<sup>۱</sup> و از آرزومندان شهادت خواست که با

---

۱. مقتل الحسین مقرر، ص ۱۹۳.

او همراه شوند. من کان فینا بادلًا مهجئة موطنًا علی لقاء الله  
نفسه فلیرحل معنا.<sup>۱</sup>

اگر در کلمات یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا و در  
مسیر کربلا دقت شود، روحیه شهادت طلبی در گفتار و  
رفتار آنان به وضوح دیده می‌شود. در شب عاشورا، آنان  
عشق خود را به کشته شدن در راه خدا و حمایت از فرزند  
پیامبر و مبارزه با ظالمان ابراز کردند:

سپاس خدای را که با یاری کردن تو ما را گرامی داشت و با  
کشته شدن همراه تو ما را شرافت بخشید.<sup>۲</sup>

حتی نوجوانی چون قاسم، مرگ در راه خدا را شیرین‌تر  
از عسل دانست.<sup>۳</sup> در همان شب، حضرت عباس علیه السلام در  
جمع بنی هاشم سخن گفت و به آنان فرمود:

یاران امام غریبه‌اند و بار سنگین بر دوش ماست. ما باید  
نخستین پیشتازان شهادت باشیم تا مردم نگویند بنی هاشم  
اصحاب را جلو انداختند و خودشان پس از کشته شدن

---

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

۲. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۰۲؛ بحار الانوار،  
ج ۴، ص ۳۶۶.

۳. پیام عاشورا، ص ۱۱۵؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام،  
ص ۴۰۲.



اصحاب به میدان رفتند.

بنی هاشم همه تیغ از نیام کشیدند و به

عباس بن علی علیه السلام گفتند:

ما بر همان تصمیم و آهنگی هستیم که تو هستی.<sup>۱</sup>

امام نیز یاران خویش را همین گونه می‌شناخت، لذا

وقتی احساس کرد خواهرش زینب علیها السلام اندکی ناآرام است و

در پایداری یاران تردید دارد، فرمود:

به خدا قسم، آنان را آزموده و امتحان کرده‌ایم. اینان

شهادت طلبانی هستند که به مرگ انس گرفته‌اند، همانگونه که

کودک به پستان مادر مأنوس است.<sup>۲</sup>

این فرهنگ امام و یاران اوست. در یکی از نیایش‌های

امام در روز عاشورا می‌خوانیم:

خدایا، دوست دارم هفتاد هزار بار در راه اطاعت و

محبت تو کشته شوم و دوباره زنده گردم، به خصوص اگر در

کشته شدن من نصرت دین، زنده شدن فرمان تو و حفظ ناموس

شریعت تو نهفته باشد.<sup>۳</sup>

---

۱. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۰۷.

۲. همان، ص ۴۰۸.

۳. معالی السبطین، ج ۲، ص ۱۸.

یکی از ویژگیهای یاران امام زمان عجل الله فرجه نیز  
شهادت طلبی است. امام صادق علیه السلام فرمود:

آنان از ترس خدا، بیمناکند و آرزوی شهادت دارند.  
خواسته‌شان کشته شدن در راه خداست و شعارشان یالثارات  
الحسین؛ ای خوانخواهان حسین علیه السلام است ...!

## ۸- آزادی و ستم‌ستیزی

یکی از ویژگی‌های یاران امام حسین علیه السلام آزادی و ستم‌ستیزی است. آزادی برتر از آزادی است و نوعی حریت انسانی و رهایی از قید و بندهای ذلت آور و حقارت‌بار است. آزادی زمینه ستم‌ستیزی را فراهم می‌نماید، زیرا روح آزادی با ظلم‌پذیری همسویی ندارد. یاران امام حسین علیه السلام نخست درجه آزادی را در خود تقویت نموده و از قید و بندهای دنیا، ثروت و مقام رهایی یافتند، از این‌رو در برابر ظلم ایستادند و شعار آزادی‌خواهی سر دادند. مسلم‌بن‌عقیل پیشاهنگ آزادی و آزادی‌خواهی بود. وی در هنگام رویارویی با سپاه ابن‌زیاد این رجز را خواند:

اقسمت لا اقتل الاحرار وان رأیت الموت شیئاً نکراً،  
هرچند که مرگ را چیز ناخوشایندی می‌بینم، ولی سوگند  
خورده‌ام که جز با آزادی کشته نشوم.

همین رجز را عبدالله، پسر مسلم بن عقیل نیز در روز عاشورا هنگام نبرد خواند.<sup>۱</sup> دو شهید دیگر از طایفه غفار، به نامهای عبدالله و عبدالرحمن فرزند عروه در رجزی که در روز عاشورا خواندند مردم را به دفاع از فرزندان آزادگان و آل پیامبر فراخواند.<sup>۲</sup>

مصدق بارز دیگری از این حریت و آزادگی حربن یزید ریاحی بود. آزادگی او سبب شد که به خاطر دنیا و ریاست، خود را جهنمی نکند و بهشت را در سایه شهادت و ستم ستیزی خریدار شود. به هنگام شهادت وی امام حسین علیه السلام بالای سر او آمده خطاب به او فرمود:

همانگونه که مادرت نام تو را حر گذاشته است، آزاده و سعادت‌مندی در دنیا و آخرت.<sup>۳</sup>

اهل بیت امام حسین علیه السلام نیز ستم‌ستیزی و آزادگی خود را به رخ دشمن کشیدند. آنان با صلابت و شجاعت به بیان افتخارات خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشینه جنایات امویان پرداخته و آزادی و اقتدار و افتخار حسینی را به نمایش گذاشتند. همچنین هنگامی که زینب علیها السلام در کاخ یزید خطبه

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۵۲.

۲. وقعة الطف، ص ۲۳۴.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، وقعة الطف، ص ۲۱۵.

خواند، از وی به عنوان شیطان یاد کرد،<sup>۱</sup> و او را لایق سخن گفتن ندانست و آنگونه با او سخن گفت که گویی با کودکی خردسال سخن می‌گوید:

ای زاده معاویه، اگر چه شداید و فشارهای روزگار مرا در شرایطی قرار داد که با تو سخن بگویم، اما من تو را کوچک می‌شمرم و بسیار سرزنش می‌کنم و فراوان توبیخ. چه شگفت‌انگیز است مردان خدا به دست لشکر شیطان کشته شوند! دست‌های شما از خون ما آغشته و دهانتان از گوشت خاندان پیغمبر مملو است... آگاه باش که عقل تو بسیار ضعیف است و دوران زندگی به زودی سپری می‌گردد.<sup>۲</sup>

همچنین هنگامی که ابن‌زیاد امام سجاد علیه السلام را به قتل تهدید نمود، امام فرمود:

ای پسر مرجانه، آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟ مگر نمی‌دانی ما به کشته شدن عادت کرده‌ایم؟ کرامت و عظمت ما این است که شهادت در راه خدا را می‌پذیریم، و از آن باکی نداریم.<sup>۳</sup>

بی‌تردید آزادگی و ستم‌ستیزی یاران و اهل بیت امام حسین علیه السلام ریشه در آزادگی امامشان دارد. آن امامی که

۱. لهورف، ص ۷۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۵.

۳. دیار بکری، تاریخ الخمس، ج ۲، ص ۲۹۶.

مرگ در راه حق را زینت دانست و از میان دو امر شمشیر یا ذلت، به استقبال مرگ رفت. الا ان الدعی بن الدعی قد رکزنی بین اثنتین، بین السله والدله وهیهات منا الذله.<sup>۱</sup> یکی از خصوصیات یاران امام زمان عجل الله فرجه نیز آزادی و ستم‌ستیزی است. آنان نیز از قید و بندهای دنیا، ثروت و مقام‌رهایی یافته‌اند. همین امر موجب شده است که با ظالمان و عدالت‌ستیزان مبارزه نمایند. متأسفانه برخی حکومت عدالت‌گستر امام را بر نمی‌تابند، جامعه آرمانی امام زمان با منافع آنان در تضاد است. از این‌رو در برابر حکومت امام صف کشیده و امام چاره‌ای جز جهاد و مبارزه با آنان نخواهد داشت. بنابراین یاران امام نیز باید ستم‌ستیز باشند تا در برابر هرگونه هدایت‌گریزی و عدالت‌ستیزی به جهاد پردازند.<sup>۲</sup> امام علی علیه السلام در تفسیر آیه یجاهدون فی سبیل الله،<sup>۳</sup> فرمود:

هم اصحاب القائم، آنان یاران قائم هستند.<sup>۴</sup>

یکی از برنامه‌های امام زمان عجل الله فرجه عصیان‌ستیزی و

عزتمندی است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱.

۲. مجله انتظار، شماره ۳، ص ۸۱.

۳. مائده/۵: ۵۴.

۴. منتخب الأثر، ص ۴۷۵.

این میباید اهل الفسوق والعصیان والطغیان؛ کجاست  
بنیان کن اصحاب فسق و عصیان و طغیان. این معز الاولیاء  
ومذل الاعداء؛ کجاست عزت بخش دوستان و  
خوارکننده دشمنان.<sup>۱</sup>

یاران امام نیز باید عصیان ستیز بوده و امام خود را در  
نهادینه نمودن عزت مندی یاری نمایند.

ویژگی های یاران هر دو امام سبب شد تا آنان از سوی  
امام خویش مورد ستایش قرار گیرند. امام حسین علیه السلام از  
یاران خود به عنوان با وفاترین و بهترین یاران یاد کرد.<sup>۲</sup>  
امام علی علیه السلام در وصف یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه فرمود:

پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین  
ناشناخته اند.<sup>۳</sup>

امید آنکه ما نیز از آن قابلیت برخوردار گردیم که  
مخاطب کلام امام عجل الله فرجه باشیم.

\* \* \*

---

۱. مجله انتظار، شماره ۳، ص ۸۷.

۲. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ لهوف، ص ۷۹.

۳. معجم الاحادیث امام المهدی، ج ۳، ص ۱۰۱.